

در باره زندگی رفیق شهید محمد رحیم خُدادادی



چریک فدائی خلق رفیق محمد رحیم خدادادی در سال ۱۳۲۹ در سراب و در خانواده ای کارگری متولد شد. به دلیل شرایط خانوادگی اش ، از همان کودکی ضمن تحصیل ، اجبارا به کار در مزارع و کوره های آجر پزی پرداخت. به این ترتیب رفیق رحیم سال ها پیش از آن که با مارکسیسم به مثابه تئوری رهائی بخش طبقه کارگر آشنا شود و با این آگاهی دلائل ستم بر کارگران و استثمار آن ها از سوی کارفرمایان و ضرورت نابودی این نظم ارتجاعی را به درستی درک کند ، خود در جریان زندگی کارگری با پوست و گوشت خویش درد و رنج استثمار و شلاق ستمکاران را تجربه نمود و از نظم ظالمانه مبتنی بر استثمار کارگران کینه به دل گرفت. در دهه چهل وی امکان یافت تا با افکار و اندیشه های مرفقی آشنا شده و سپس به مارکسیسم روی آورد. در این دهه در حالی که کارگران و دیگر توده های تحت ستم در فقر و بدبختی روزگار می گذرانند ، جامعه در زیر سرکوب ددمنشانه رژیم شاه به مثابه حافظ و حامی طبقه سرمایه داران وابسته مختنق شده و رکود و خمود بر مبارزات توده ها مستولی شده بود. در چنین اوضاع و احوالی روشنفکران مبارز برای یافتن راه انقلاب و رهائی از زیر مظالم دیکتاتوری حاکم تلاش می کردند و بسیاری از آن ها دست به تجمعات ساده ای می زدند. رفیق رحیم نیز از جمله این تلاش گران مبارز بود که در سال ۴۹ با تعدادی از دوستانش گروهی کوچک شکل داد ، گروهی که در تلاش بود تا ضمن مبارزه با ظلم و ستم طبقه حاکم و رژیم دیکتاتوری حامیش ، راهی برای رهائی کارگران پیدا کند.

اما در اواخر دهه چهل ، دیگر جنبش نوین کمونیستی به آن مرحله از رشد رسیده بود که به قول رفیق مسعود احمدزاده "رهنمود مشخصی برای عمل تعیین کند". تا بتواند "تجمع ساده را به تجمع متشکل" تبدیل نماید. چنین بود که چریکهای فدائی خلق قدم به عرصه وجود نهادند و جامعه شاهد رستاخیز بزرگ سپاهکل شد. چریکهای فدائی خلق ایران بر اساس تئوری انقلابی خود که حاصل چهار سال تلاش بی دریغ بهترین کمونیست های ایران بود ، تئوری ای که در کتاب مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک تجلی یافت ، با اعلان جنگ به رژیم وابسته به امپریالیسم حاکم ، راه نوینی در مقابل روشنفکران انقلابی و توده های ستمدیده

قرار دادند. این تحول بزرگ ضربه ای استراتژیک به سلطه دیکتاتوری حاکم بود و جو سیاسی جامعه را بکلی دگرگون نمود.

دیکتاتوری لجام گسیخته حاکم که با حضور انقلابیون مسلح در صحنه ، مرگ خود را در جلوی چشمانش می دید کوشید همچون خرسی زخمی ، دیوانه وار به همه سو حمله نماید. بر این اساس در سال ۵۰ نیرو های آزادیخواه و به خصوص نیروهای جنبش کمونیستی مورد یورش گسترده این رژیم قرار گرفت. رفیق رحیم و رفقاییش نیز در همین راستا مورد حمله ساواک قرار گرفته و دستگیر شدند. رفیق رحیم به یک سال و نیم زندان محکوم شد. اما او زمانی به زندان افتاده بود که مبارزات چریکهای فدائی خلق و حضور رزمنده آن ها در زندان ها جو زندان ها را به کلی به نفع نیروهای انقلابی دگرگون نموده بود. حالا دیگر زندان های شاه به آموزشگاهی جهت تربیت انقلابی زندانیان سیاسی تبدیل شده بودند. چنین شرایطی برای انقلابی جوانی چون رفیق رحیم ایده آل ترین شرایط بود و به همین دلیل هم تمام دوران محکومیت خود را به باز آموزی و تربیت سیاسی - ایدئولوژیک خود گذراند.

رفیق رحیم با کسب تجربیات بسیار پس از گذراندن دوران محکومیت خود از زندان آزاد شد تا با تجربه ای هر چه بیشتر به مصاف با دشمن طبقاتی خود برود. او در سال ۱۳۵۳ امکان ارتباط با سازمان چریکهای فدائی خلق را پیدا نمود و به این سازمان پیوست تا فعالیت هایش را به شکلی سازمان یافته پیش ببرد. اما هنوز مدتی از این ارتباط نگذشته بود که او را برای خدمت سربازی فرا خواندند و در نتیجه به سربازی رفت. سه ماه در پادگان به سر برد و پس از آن پادگان را ترک کرد و به زندگی مخفی روی آورد.

از زمان مخفی شدن در سال ۵۳ تا ششم آبان سال ۱۳۵۵ ، زندگی رفیق رحیم تماما در جهت تحقق آرمان های سوسیالیستی اش در چهارچوب سازمان چریکهای فدائی خلق گذشت. رفیق رحیم از جمله رفقای بود که به دنبال ضربات سنگین بهار و تابستان سال ۵۵ در جهت حفظ و باز سازی سازمان تلاش نمود. اما در شرایط دشوار ، پس از آن ضربه ها ، مناسبانه وی در ششم آبان ماه سال ۱۳۵۵ در خیابان نواب تهران مورد شناسائی گشتی های نیرو های امنیتی شاه قرار گرفت و طی درگیری با آن ها با خوردن سیانور خود به شهادت رسید و با مرگ قهرمانانه اش ، آرزوی دشمن خونخوار را نسبت به زنده دستگیر کردنش با شکست مواجه ساخت.

خون رفیق رحیم همچون دیگر کمونیست های فدائی به هدر نرفت. به همان گونه که رفیق مسعود احمدزاده از ضرورت مبارزه مسلحانه جهت جاری کردن سیل مبارزات توده ای سخن گفته بود ، در شرایطی که سال ها مبارزه مسلحانه با فداکاری انقلابیون مسلح در جامعه جاری بود ، در طی سال های ۵۷-۱۳۵۶ ، سیل خروشان مبارزه توده ای که ویران گر دستگاه جهنمی رژیم شاه بود ، در جامعه جاری شد و در مقابل چشم همگان قرار گرفت؛ گر چه دیگر رفیق رحیم نبود تا حاصل تلاش های خستگی ناپذیر خود را به چشم ببیند.

یاد رفیق شهید محمد رحیم خدادادی گرامی و راهش پر رهرو باد!